

دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی
دانشکده ریاضی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد
رشته - گرایش

عنوان:

عنوان پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

دانشجو:

آریس آقانیانس

استاد راهنما:

دکتر ...

استاد مشاور:

دکتر ...

شهریور ۱۳۹۵

به نام خدا

[متن این صفحه می تواند تغییر کند.]

تقديم (اختياري)

تأییدیهی هیأت داوران

هیأت داوران پس از مطالعهی پایان‌نامه‌ی و شرکت در جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی تهیه‌شده تحت عنوان

عنوان پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

توسط آقای آریس آقانیانس صحت و کفایت تحقیق انجام‌شده را برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی رشته - گرایش
در تاریخ / / ۱۳۰۰ مورد تأیید قرار می‌دهند.



امضا

دکتر ...

۱- استاد راهنما



امضا

دکتر ...

۲- استاد مشاور



امضا

دکتر ...

۳- ممتحن داخلی



امضا

دکتر ...

۴- ممتحن خارجی



امضا

دکتر ...

۵- نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی دانشکده

اظهارنامه‌ی دانشجو

عنوان پایان‌نامه: ...

استاد راهنما: دکتر ...

استاد مشاور: دکتر ...

دانشجو: آریس آقانیانس

شماره‌ی دانشجویی: ...

اینجانب آریس آقانیانس دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی رشته - گرایش دانشکده‌ی ریاضی دانشگاه صنعتی
خواجه نصیرالدین طوسی گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه‌شده در پایان‌نامه با عنوان

«عنوان پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد»

با راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر ... و مشاوره‌ی جناب آقای دکتر ... توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و
اصالت مطالب نگارش‌شده در این پایان‌نامه مورد تأیید می‌باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده
اشاره شده است.

به علاوه، گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان‌نامه، تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب
یا فرد دیگری در هیچ‌جا ارائه نشده است و در تدوین متن پایان‌نامه، چارچوب (فرمت) مصوب دانشگاه را به طور کامل رعایت
کرده‌ام.

امضای دانشجو:

تاریخ:

فرم حق طبع و نشر و مالکیت نتایج

- ۱- حق چاپ و تکثیر این پایان نامه متعلق به نویسنده‌ی آن می‌باشد. هرگونه کپی برداری به صورت کل پایان نامه یا بخشی از آن تنها با موافقت نویسنده یا کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ریاضی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی مجاز می‌باشد. ضمناً متن این صفحه نیز باید در نسخه‌ی تکثیرشده وجود داشته باشد.
 - ۲- کلیه‌ی حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی می‌باشد و بدون اجازه‌ی کتبی دانشگاه به شخص ثالث قابل واگذاری نیست.
- همچنین، استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه، بدون ذکر مراجع، مجاز نمی‌باشد.

تقدیر و تشکر (اختیاری)

چکیده

در این پایان نامه،

کلیدواژه‌ها: کلیدواژه‌ی ۱؛ کلیدواژه‌ی ۲؛ کلیدواژه‌ی ۳.

رده‌بندی موضوعی ریاضیات (۲۰۱۰): اولیه: ۴۷H۱۰؛ ثانویه: ۵۴H۲۵، ۵۴E۱۵، ۰۵C۲۰.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	فصل ۱ فضاهای یکنواخت
۲	پیشنیازهای لازم حاصل ضرب دکارتی و رابطه‌ها
۷	یکنواختی و فضای یکنواخت
۹	فصل ۲ نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت یکنواختی به کمک پیرامون‌های پایه‌ای
۹	مفهوم نقطه‌ی ثابت و اصل انقباض باناخ در فضاهای متریک
۱۰	نمونه‌ای از یک جدول
۱۱	مراجع
۱۲	فهرست نمادها
۱۳	واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی
۱۵	واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی
۱۷	نمایه

فهرست شکل‌ها

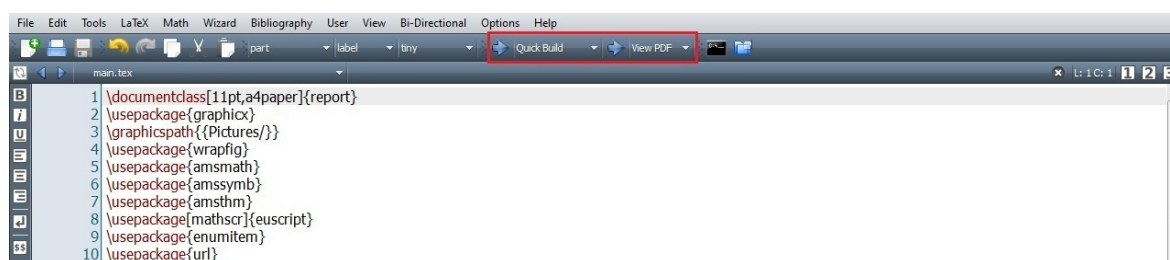
نام شکل	صفحه
شکل ۱۰۱: قطر یک مجموعه‌ی ناتهی و وارون یک رابطه روی آن	۳
شکل ۲۰۱: نگاره‌ی یک نقطه تحت یک رابطه	۶

فهرست جدول‌ها

نام جدول	صفحه
جدول ۱۰۲: تعداد حاضرین و غایبین در جلسه	۱۰

پیشگفتار

برای اجرای این فایل لازم است توزیع تک 2015 TeXLive یا بالاتر و فونت‌های Yas و IranNastaliq روی سیستم نصب باشند. پس از انجام هرگونه تغییر در هریک از فایل‌های chapter1.tex، chapter2.tex، back.tex، front.tex، باید تغییرات انجام‌شده ذخیره شوند و سپس فایل main.tex از گزینه‌ی Run در حالت Quick Build پردازش گردد. همچنین برای مشاهده‌ی خروجی به صورت PDF، باید از گزینه‌ی View در حالت View PDF استفاده شود (شکل زیر). پردازش برنامه و مشاهده‌ی خروجی به ترتیب با فشردن کلیدهای F1 و F7 نیز امکانپذیر است. در صورت نیاز به گنجاندن شکل در متن، باید فایل شکل مورد نظر در پوشه‌ی Pictures قرار گیرد.



پس از نصب TeXLive روی سیستم، می‌توان با وارد کردن دستور `texdoc lshort-persian` در محیط `cmd` ویندوز، فایل راهنمای فارسی لاتک را فراخوانی کرد.

آریس آقانیانس

تهران، شهریور ۱۳۹۵

فصل ۱

فضاهای یکنواخت

خانواده‌ی همه‌ی فضاهای یکنواخت بین خانواده‌های همه‌ی فضاهای متریک و همه‌ی فضاهای توپولوژیک قرار دارد. به بیان دیگر، هر فضای متریک یک فضای یکنواخت و هر فضای یکنواخت یک فضای توپولوژیک است. در حقیقت، با تعمیم مفهوم متر در فضاهای متریک که فاصله‌ی دو نقطه را به طور کمی اندازه می‌گیرد، مفهوم جدیدی به نام «پیرامون» معرفی می‌شود که فاصله‌ی دو نقطه را به صورت کیفی بیان می‌کند. به این ترتیب، زیرخانواده‌ای از فضاهای توپولوژیک به دست می‌آید که در آنها مفاهیم یکنواختی همچون ویژگی کوشی دنباله‌ها، کامل دنباله‌ی بودن فضاهای توپولوژیک، پیوستگی یکنواخت نگاشت‌ها (که هاینه در سال ۱۸۷۰ برای توابع حقیقی روی فضاهای اقلیدسی و فرشه در سال ۱۹۲۸ برای نگاشت‌های بین دو فضای متریک ارائه داده بود) و همگرایی یکنواخت دنباله‌ای از نگاشت‌ها (که وایراشتراس در سال ۱۸۴۱ برای توابع حقیقی ارائه داده بود) قابل تعریفند. گفتنی است در فضاهای توپولوژیک چنین مفاهیمی تعریف نمی‌شوند؛ زیرا، همسایگی‌های هر نقطه و در نتیجه، مفهوم «فاصله‌ی توپولوژیک» به موقعیت آن نقطه بستگی کامل دارد. همچنین، زیرخانواده‌ی یادشده در بالا علاوه بر فضاهای متریک، همه‌ی فضاهای متریک مخروطی، گروه‌های توپولوژیک، فضاهای برداری توپولوژیک، حلقه‌های توپولوژیک و مشبکه‌ها را نیز شامل می‌شود. از اینرو اهمیت این تعمیم به آن است که با رسیدن به فضاهایی با ویژگی‌های مشابه، سیمای اصلی فضاهای متریک حفظ می‌گردد. بسیاری از شباهت‌های بین فضاهای متریک و یکنواخت در این فصل و فصل آینده به روشنی دیده می‌شوند.

پیشنیازهای لازم حاصل ضرب دکارتی و رابطه‌ها

فرض کنید X مجموعه‌ای ناتهی است که ما در سرتاسر این پایان‌نامه، اعضای آن را نقاط خواهیم نامید. اگر Y یک زیرمجموعه‌ی X باشد (X یک زیرمجموعه‌ی Y باشد)، می‌نویسیم $Y \subseteq X$ و اگر Y یک زیرمجموعه‌ی سره X باشد (X یک زیرمجموعه‌ی سره Y باشد)، می‌نویسیم $Y \subset X$. بنابراین $Y \subset X$ بدان معناست که $Y \subseteq X$ و $Y \neq X$. به علاوه، عدد اصلی، مجموعه‌ی توانی و نگاشت همانی X را به ترتیب با $\text{card}(X)$ ، $\mathcal{P}(X)$ و id_X نشان می‌دهیم. از اینرو $\text{id}_X : X \rightarrow X$ برای هر $x \in X$ با ضابطه‌ی $\text{id}_X(x) = x$ تعریف می‌شود.

می‌دانیم حاصل ضرب دکارتی $X \times X$ از همه‌ی زوج‌های مرتبی تشکیل می‌شود که مؤلفه‌های آنها نقاطی از X هستند، یعنی، $X \times X = \{(x, y) : x, y \in X\}$ و هر زیرمجموعه‌ی آن یک رابطه‌ی دوتایی یا به طور خلاصه، یک رابطه روی X می‌باشد. بنابراین $\mathcal{P}(X \times X)$ خانواده‌ی همه‌ی رابطه‌های روی X است.

منظور از قطر X ، زیرمجموعه‌ی $X \times X$ متشکل از همه‌ی زوج‌های مرتب با مؤلفه‌های برابر است. در ریاضیات، نمادهای گوناگونی برای نمایش قطر یک مجموعه‌ی ناتهی به کار می‌روند. ما در سرتاسر این پایان‌نامه، از $\Delta(X)$ برای نشان دادن قطر

X استفاده می‌کنیم. بنابراین

$$\Delta(X) = \{(x, x) \in X \times X : x \in X\} = \text{graph}(\text{id}_X)$$

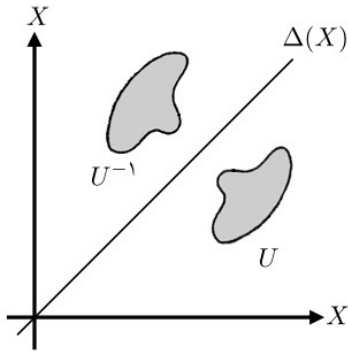
که در آن $\text{graph}(\text{id}_X)$ نمودار نگاشت همانی X است.

اگر U و V دو رابطه روی X باشند، آنگاه با الهام از تعریف وارون و ترکیب نگاشت‌ها، U^{-1} و $U \circ V$ به شکل‌های

$$U^{-1} = \{(x, y) \in X \times X : (y, x) \in U\}$$

و

$$U \circ V = \{(x, y) \in X \times X : \exists z \in X; (x, z) \in V, (z, y) \in U\}$$



شکل ۱.۱: قطر X و وارون U

تعریف می‌شوند. به ویژه، اگر $f : X \rightarrow X$ نگاشتی وارونپذیر باشد، آنگاه $\text{graph}(f)^{-1} = \text{graph}(f^{-1})$ و اگر $f, g : X \rightarrow X$ دو نگاشت دلخواه باشند، آنگاه $\text{graph}(f \circ g) = \text{graph}(f) \circ \text{graph}(g)$. به همین سبب، U^{-1} و $U \circ V$ به ترتیب وارون U و ترکیب U با V نامیده می‌شوند. روشن است که اعمال وارون و ترکیب برای رابطه‌ها تعمیم طبیعی اعمال نظیر برای نگاشت‌ها هستند.

از دیدگاه هندسی، قطر یک مجموعه‌ی ناتهی X نیمساز نواحی اول و سوم در دستگاه مختصات دکارتی $X \times X$ و وارون یک رابطه‌ی U روی X بازتاب U در صفحه نسبت به

$\Delta(X)$ است. اما متأسفانه، به نظر می‌رسد که ترکیب دو رابطه روی X با مفاهیم طبیعی هندسی قابل تعبیر نیست.

دو گزاره‌ی زیر شماری از حالات خاص و مهمترین ویژگی‌های اعمال وارون و ترکیب رابطه‌ها را که در جای‌جای این پایان‌نامه مورد استفاده قرار می‌گیرند، بیان می‌کنند و ارتباط بین این دو عمل را روشن می‌سازند.

۱.۰.۱ گزاره ([۶، قضیه‌ی ۲.۰]). فرض کنید X مجموعه‌ای ناتهی است و U و V دو رابطه روی X هستند. در این صورت عبارتهای زیر برقرارند:

$$(i) \quad (X \times X)^{-1} = X \times X \text{ و } \Delta(X)^{-1} = \Delta(X), \emptyset^{-1} = \emptyset$$

$$(ii) \quad (U^{-1})^{-1} = U$$

$$(iii) \quad \text{اگر } U \subseteq V, \text{ آنگاه } U^{-1} \subseteq V^{-1}$$

$$(iv) \quad (U \cap V)^{-1} = U^{-1} \cap V^{-1} \text{ و } (U \cup V)^{-1} = U^{-1} \cup V^{-1}$$

برهان. (i) بدیهی است.

(ii) بنابر تعريف عمل وارون داريم

$$(U^{-1})^{-1} = \{(x, y) \in X \times X : (y, x) \in U^{-1}\} = \{(x, y) \in X \times X : (x, y) \in U\} = U.$$

(iii) اگر $(x, y) \in U^{-1}$ ، آنگاه $(y, x) \in U \subseteq V$. بنابر اين $(x, y) \in V^{-1}$ و از اينرو $U^{-1} \subseteq V^{-1}$.

(iv) فقط تساوى نخست (اجتماع) را ثابت مى‌کنيم. اثبات تساوى ديگر مشابه است. به اين منظور داريم

$$\begin{aligned} (U \cup V)^{-1} &= \{(x, y) \in X \times X : (y, x) \in U \cup V\} \\ &= \{(x, y) \in X \times X : (y, x) \in U\} \cup \{(x, y) \in X \times X : (y, x) \in V\} \\ &= U^{-1} \cup V^{-1}. \quad \square \end{aligned}$$

۲.۰.۱ گزاره ([۶، قضيه ۲.۰]). فرض کنيد X مجموعه‌اى ناتهى است و U, V و W سه رابطه روى X هستند. در اين صورت عبارت‌هاى زير برقرارند:

$$U \circ \Delta(X) = \Delta(X) \circ U = U \text{ و } U \circ \emptyset = \emptyset \circ U = \emptyset \quad (i)$$

$$(U \circ V) \circ W = U \circ (V \circ W) \quad (ii)$$

$$(iii) \text{ اگر } U \subseteq V, \text{ آنگاه } U \circ U \subseteq V \circ V \text{ و } U \circ U^{-1} \subseteq V \circ V^{-1}$$

$$(iv) \text{ اگر } \Delta(X) \subseteq U, \text{ آنگاه } U \subseteq U \circ U \text{ و } U \subseteq U \circ U^{-1}$$

$$(v) (U \circ V)^{-1} = V^{-1} \circ U^{-1}$$

برهان. (i) تساوى‌هاى دسته‌ى نخست بديهى‌اند. براى اثبات تساوى‌هاى دسته‌ى دوم، فرض کنيد $(x, y) \in U$. چون $(x, x), (y, y) \in \Delta(X)$ ، پس $(x, y) \in U \circ \Delta(X)$ و $(x, y) \in \Delta(X) \circ U$. از اينرو $U \subseteq U \circ \Delta(X)$ و $U \subseteq \Delta(X) \circ U$.

بر عكس، اگر $(x, y) \in U \circ \Delta(X)$ ، آنگاه يك $z \in X$ وجود دارد به طوري كه $(x, z) \in \Delta(X)$ و $(z, y) \in U$. پس $z = x$ و بنابر اين $(x, y) \in U$. از اينرو $U \circ \Delta(X) \subseteq U$. همچنين، اگر $(x, y) \in \Delta(X) \circ U$ ، آنگاه يك $u \in X$ وجود دارد به طوري كه $(x, u) \in U$ و $(u, y) \in \Delta(X)$. پس $u = y$ و بنابر اين $(x, y) \in U$. از اينرو $\Delta(X) \circ U \subseteq U$.

(ii) اگر $(x, y) \in (U \circ V) \circ W$ ، آنگاه يك $z \in X$ وجود دارد به طوري كه $(x, z) \in W$ و $(z, y) \in U \circ V$. به علاوه، يك $u \in X$ نيز وجود دارد به طوري كه $(z, u) \in V$ و $(u, y) \in U$. بنابر اين $(x, u) \in V \circ W$ و از اينرو $(x, y) \in U \circ (V \circ W)$. در نتيجه، $(U \circ V) \circ W \subseteq U \circ (V \circ W)$.

بر عكس، اگر $(x, y) \in U \circ (V \circ W)$ ، آنگاه يك $z \in X$ وجود دارد به طوري كه $(x, z) \in V \circ W$ و $(z, y) \in U$. به علاوه، يك $u \in X$ نيز وجود دارد به طوري كه $(x, u) \in W$ و $(u, z) \in V$. بنابر اين $(u, y) \in U \circ V$ و از اينرو $(x, y) \in (U \circ V) \circ W$. در نتيجه، $U \circ (V \circ W) \subseteq (U \circ V) \circ W$.

(iii) فقط شمول نخست را ثابت می‌کنیم. اثبات شمول دوم مشابه است. اگر $(x, y) \in U \circ U$ ، آنگاه یک $z \in X$ وجود دارد به طوری که $(x, z), (z, y) \in U \subseteq V$. بنابراین $(x, y) \in V \circ V$ و از اینرو $U \circ U \subseteq V \circ V$.

(iv) اگر $(x, y) \in U$ ، آنگاه طبق فرض و بندهای (i) و (iii) گزاره‌ی ۱.۰.۱ داریم $(x, x) \in \Delta(X) \subseteq U$ و $(x, x) \in \Delta(X) = \Delta(X)^{-1} \subseteq U^{-1}$. بنابراین $(x, y) \in U \circ U$ و $(x, y) \in U \circ U^{-1}$. از اینرو $U \subseteq U \circ U$ و $U \subseteq U \circ U^{-1}$.

(v) اگر $(x, y) \in (U \circ V)^{-1}$ ، آنگاه $(y, x) \in U \circ V$ و یک $z \in X$ وجود دارد به طوری که $(y, z) \in V$ و $(z, x) \in U$. بنابراین $(z, y) \in V^{-1}$ و $(x, z) \in U^{-1}$ و از اینرو $(x, y) \in V^{-1} \circ U^{-1}$. در نتیجه، $(U \circ V)^{-1} \subseteq V^{-1} \circ U^{-1}$.

بر عکس، اگر $(x, y) \in V^{-1} \circ U^{-1}$ ، آنگاه یک $z \in X$ وجود دارد به طوری که $(x, z) \in U^{-1}$ و $(z, y) \in V^{-1}$. بنابراین $(z, x) \in U$ و $(y, z) \in V$ و از اینرو $(y, x) \in U \circ V$ ، یعنی، $(x, y) \in (U \circ V)^{-1}$. در نتیجه، $V^{-1} \circ U^{-1} \subseteq (U \circ V)^{-1}$. \square

۳.۰.۱ تبصره. با توجه به بند (ii) گزاره‌ی ۲.۰.۱، به کمک اصل استقرای ریاضی، می‌توان بند (iv) لم ۱.۰.۱ و بندهای (iii)، (iv) و (v) لم ۲.۰.۱ را به شکل زیر تعمیم داد:

- اگر $U \subseteq V$ ، آنگاه برای هر $n \geq 2$ و هر $\varepsilon_1, \dots, \varepsilon_n \in \{\pm 1\}$ داریم $U^{\varepsilon_1} \circ \dots \circ U^{\varepsilon_n} \subseteq V^{\varepsilon_1} \circ \dots \circ V^{\varepsilon_n}$ که در آن $U^1 = U$ و $V^1 = V$. به ویژه، $\underbrace{U \circ \dots \circ U}_n \subseteq \underbrace{V \circ \dots \circ V}_n$.
- اگر $\Delta(X) \subseteq U$ ، آنگاه برای هر $m \geq n \geq 2$ داریم $\underbrace{U \circ \dots \circ U}_n \subseteq \underbrace{U \circ \dots \circ U}_m$.
- برای هر $n \geq 2$ و هر $U_1, \dots, U_n \subseteq X \times X$ داریم

$$\left(\bigcup_{i=1}^n U_i\right)^{-1} = \bigcup_{i=1}^n U_i^{-1}, \quad \left(\bigcap_{i=1}^n U_i\right)^{-1} = \bigcap_{i=1}^n U_i^{-1} \quad \text{و} \quad (U_1 \circ \dots \circ U_n)^{-1} = U_n^{-1} \circ \dots \circ U_1^{-1}.$$

چون برهان‌های عبارت‌های بالا بسیار شبیه برهان‌های بندهای متناظر گزاره‌های ۱.۰.۱ و ۲.۰.۱ هستند، از ذکر جزئیات آنها در این نکته خودداری می‌شود.

نتیجه‌ی زیر یک پیامد جالب گزاره‌ی ۲.۰.۱ است.

۴.۰.۱ نتیجه. اگر X مجموعه‌ای ناتهی باشد، آنگاه خانواده‌ی همه‌ی رابطه‌های روی X با عمل ترکیب تشکیل یک تکواره با عضو همانی $\Delta(X)$ می‌دهد.

برهان. روشن است که ترکیب هر دو رابطه‌ی روی X یک رابطه‌ی روی X است، یعنی، خانواده‌ی همه‌ی رابطه‌های روی X تحت عمل ترکیب بسته است. به علاوه، بندهای (ii) و (i) گزاره‌ی ۲.۰.۱ به ترتیب نشان می‌دهند که عمل ترکیب رابطه‌ها شرکتپذیر است و $\Delta(X)$ عضو همانی آن می‌باشد. در نتیجه، $(\mathcal{P}(X \times X), \circ)$ یک تکواره با عضو همانی $\Delta(X)$ است. \square

بر خلاف انتظار، ممکن است ترکیب یک رابطه با وارون خود برابر قطر نباشد، یعنی، $(\mathcal{P}(X \times X), \circ)$ لزوماً یک گروه نیست، و همچنین، ممکن است ترکیب دو رابطه‌ی ناتهی، تهی باشد. برای مثال، اگر $X = \{1, 2\}$ و $U = \{(1, 1), (1, 2)\}$ ، آن‌گاه $(1, 2) \in U \circ U^{-1}$ ولی $(1, 2) \notin \Delta(X)$ ، و اگر $V = \{(1, 2)\}$ ، آن‌گاه $V \circ V = \emptyset$.
نمادگذاری‌های مربوط به قطر یک مجموعه‌ی ناتهی و اعمال وارون و ترکیب رابطه‌ها ابزار مناسبی برای بیان چهار ویژگی مهم رابطه‌ها به زبان ریاضی هستند. در واقع، اگر X مجموعه‌ای ناتهی و U یک رابطه روی X باشد، آن‌گاه عبارت‌های زیر برقرارند:

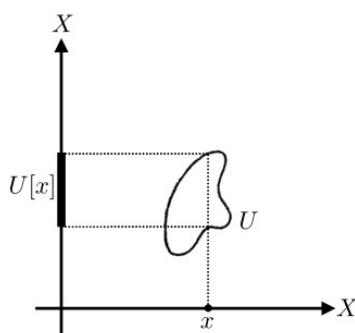
• رابطه‌ی U ویژگی بازتابی دارد اگر و فقط اگر $\Delta(X) \subseteq U$ ؛

• رابطه‌ی U ویژگی تقارنی دارد اگر و فقط اگر $U = U^{-1}$ ؛

• رابطه‌ی U ویژگی پادتقارنی دارد اگر و فقط اگر $U \cap U^{-1} \subseteq \Delta(X)$ ؛

• رابطه‌ی U ویژگی تراییی دارد اگر و فقط اگر $U \circ U \subseteq U$.

با توجه به عبارت‌های بالا و بند (iv) گزاره‌ی ۲.۰.۱، U یک رابطه‌ی هم‌ارزی است اگر و فقط اگر $U \cap U^{-1} \subseteq \Delta(X) \subseteq U = U \circ U$. از اینرو یگانه رابطه‌ای که هم هم‌ارزی است و هم ترتیب جزئی، رابطه‌ی تساوی (یعنی، $\Delta(X)$) می‌باشد.



شکل ۲.۱: نگاره‌ی x تحت U

فرض کنید X مجموعه‌ای ناتهی است. اگر $x \in X$ و U یک رابطه روی X باشد، آن‌گاه $U[x]$ برابر مجموعه‌ی همه‌ی مؤلفه‌های دوم زوج‌های مرتب متعلق به U با مؤلفه‌ی اول x تعریف می‌شود، یعنی،

$$U[x] = \{y \in X : (x, y) \in U\}.$$

در واقع، $U[x]$ نگاره‌ی وارون U تحت نگاشت $(x, y) \mapsto y$ از X به توی $X \times X$ است. به ویژه، اگر $f : X \rightarrow X$ نگاشتی دلخواه باشد، آن‌گاه $(\text{graph}(f))[x] = \{f(x)\}$. به همین سبب، گاهی اوقات $U[x]$ نگاره‌ی x تحت U نامیده می‌شود.

این قسمت را با گزاره‌ی زیر به پایان می‌رسانیم. این گزاره شماری از حالات خاص و مهمترین ویژگی‌های نگاره‌ی یک نقطه تحت یک رابطه را بیان می‌کند.

۵.۰.۱ گزاره (۶، قضیه ۲.۰). فرض کنید X مجموعه‌ای نا تهی است. اگر $x \in X$ و U و V دو رابطه روی X باشند، آنگاه عبارت‌های زیر برقرارند:

$$(i) \quad \Delta(X)[x] = \{x\}, \emptyset[x] = \emptyset \text{ و } (X \times X)[x] = X$$

$$(ii) \quad \text{اگر } U \subseteq V \text{، آنگاه } U[x] \subseteq V[x]$$

$$(iii) \quad (U \cup V)[x] = U[x] \cup V[x] \text{ و } (U \cap V)[x] = U[x] \cap V[x]$$

$$(iv) \quad (U \circ V)[x] = \bigcup_{y \in V[x]} U[y]$$

برهان. (i) تساوی نخست به روشنی برقرار است. برای اثبات تساوی‌های دوم و سوم داریم

$$\Delta(X)[x] = \{y \in X : (x, y) \in \Delta(X)\} = \{x\}$$

و

$$(X \times X)[x] = \{y \in X : (x, y) \in X \times X\} = X.$$

$$(ii) \quad \text{اگر } y \in U[x], \text{ آنگاه } (x, y) \in U \subseteq V. \text{ بنابراین } y \in V[x] \text{ و از اینرو } U[x] \subseteq V[x].$$

(iii) فقط تساوی نخست را ثابت می‌کنیم. اثبات تساوی دیگر مشابه است. به این منظور داریم

$$\begin{aligned} (U \cup V)[x] &= \{y \in X : (x, y) \in U \cup V\} \\ &= \{y \in X : (x, y) \in U\} \cup \{y \in X : (x, y) \in V\} = U[x] \cup V[x]. \end{aligned}$$

$$(iv) \quad \text{اگر } z \in (U \circ V)[x], \text{ آنگاه } (x, z) \in U \circ V \text{ و یک } y \in X \text{ وجود دارد به طوری که } (x, y) \in V \text{ و } (y, z) \in U.$$

بنابراین $y \in V[x]$ و $z \in U[y]$. از اینرو $z \in \bigcup_{y \in V[x]} U[y]$. در نتیجه، $(U \circ V)[x] \subseteq \bigcup_{y \in V[x]} U[y]$.

بر عکس، اگر $z \in \bigcup_{y \in V[x]} U[y]$ ، آنگاه یک $y \in V[x]$ وجود دارد به طوری که $z \in U[y]$. بنابراین

$(x, y) \in V$ و $(y, z) \in U$. از اینرو $(x, z) \in U \circ V$ ، یعنی، $z \in (U \circ V)[x]$. در نتیجه،

□

$$\bigcup_{y \in V[x]} U[y] \subseteq (U \circ V)[x]$$

یکنواختی و فضای یکنواخت

پیش از آغاز بحث درباره‌ی یکنواختی و فضاهای یکنواخت، برای پیشگیری از ابهام، لازم است چند نماد که در سرتاسر این پایان‌نامه برای ایجاز در گفتار به کار می‌روند، معرفی کنیم.

منظور از \mathbb{Z}^+ ، مجموعه‌ی اعداد صحیح نامنفی و منظور از \mathbb{R}^+ ، مجموعه‌ی اعداد حقیقی نامنفی است که برای سادگی، از

گذاشتن اندیس صفر برای آنها خودداری شده است. بنابراین

$$\mathbb{Z}^+ = \mathbb{N} \cup \{0\} = \{0, 1, 2, \dots\} \quad \text{و} \quad \mathbb{R}^+ = [0, \infty).$$

اگر X مجموعه ای ناتهی باشد، آنگاه ρ_\circ و d_\circ به ترتیب نمایانگر شبه متر ثابت صفر و متر گسسته بر X هستند، یعنی،

$$\rho_\circ(x, y) = \circ \quad \text{و} \quad d_\circ(x, y) = \begin{cases} 1 & x \neq y, \\ \circ & x = y \end{cases} \quad (x, y \in X).$$

برای نمایش درون و بستار هر زیرمجموعه ی A از فضای توپولوژیک دلخواه (X, τ) ، به ترتیب از A° و \overline{A} استفاده می کنیم. بنابراین A° بزرگترین زیرمجموعه ی باز X مشمول در A ، و \overline{A} کوچکترین زیرمجموعه ی بسته ی X شامل A است. به علاوه، اگر $x \in X$ ، آنگاه منظور از یک همسایگی x ، زیرمجموعه ای از X است که x را در درون خود دارد و \mathcal{N}_x نمایانگر دستگاه همسایگی x می باشد، یعنی،

$$\mathcal{N}_x = \{A \subseteq X : x \in A^\circ\}.$$

از اینرو اگرچه شماری از نویسندگان همچون مانکرس [۵] همسایگی ها را زیرمجموعه های بازی از فضاها ی توپولوژیک معرفی می کنند، اما با توجه به قرارداد انجام شده، لزومی ندارد یک همسایگی مجموعه ای باز باشد. سرانجام، اگر (X, d) یک فضای متریک باشد، آنگاه برای هر $x \in X$ و هر $r > \circ$ ، از $N_r(x)$ برای نمایش همسایگی به مرکز x و شعاع r استفاده می کنیم. بنابراین

$$N_r(x) = \{y \in X : d(y, x) < r\}.$$

فصل ۲

نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت یکنواختی به کمک پیرامون‌های پایه‌ای

منظور از یک نقطه‌ی ثابت برای یک نگاشت از مجموعه‌ای ناتهی به توی خودش، نقطه‌ای از آن مجموعه است که تحت آن نگاشت ثابت می‌ماند. نظریه‌ای که وجود و یکتایی چنین نقاطی را بررسی می‌کند «نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت» نامیده می‌شود که زیرشاخه‌ای از آنالیز تابعی غیرخطی و پلی بین ریاضیات محض و کاربردی است. این نظریه بخش وسیعی از پژوهش‌های ریاضیات را در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده است و کاربردهای گسترده‌ای در علوم رایانه و مهندسی، نظریه‌ی معادلات دیفرانسیل و انتگرال، نظریه‌ی بازی‌ها، نظریه‌ی تقریب، اقتصاد و ... دارد. با استفاده از این نظریه، بسیاری از معادلات دیفرانسیل و انتگرال مسائل مقدار آغازی مانند معادله‌ی انتگرال فرد هولم و معادله‌ی انتگرال ولترا حل و قضیه‌ی وجود و یکتایی جواب برای معادلات دیفرانسیل معمولی ثابت می‌شود. چون نقطه‌ی ثابت به خودی خود یک مفهوم مجرد در نظریه‌ی مجموعه‌هاست، پس نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت را می‌توان با بسیاری از ساختارهای ریاضی در هم آمیخت، یعنی، بر مجموعه‌هایی ناتهی دارای یک ساختار ریاضی مشخص مطالعه کرد. برای مثال، اگر وجود و یکتایی نقاط ثابت در فضاهاى متریک بررسی شوند، آنگاه به آن «نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت متریک» یا «نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت در فضاهاى متریک» گفته می‌شود. به همین ترتیب، با بررسی وجود و یکتایی نقاط ثابت در فضاهاى یکنواخت، «نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت یکنواختی» یا «نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت در فضاهاى یکنواخت» پدید می‌آید.

مفهوم نقطه‌ی ثابت و اصل انقباض باناخ در فضاهاى متریک

فرض کنید X مجموعه‌ای ناتهی و $T : X \rightarrow X$ نگاشتی دلخواه است. در نظریه‌ی نقطه‌ی ثابت، اغلب برای سادگی در نمایش کنش T بر هر نقطه‌ی $x \in X$ از گذاشتن کمانک دور x خودداری می‌شود. ما نیز در این پایان‌نامه، از این قاعده پیروی می‌کنیم و به جای $T(x)$ می‌نویسیم Tx .

به همین ترتیب، اگر $S : X \rightarrow X$ نگاشت دیگری باشد، آنگاه به جای $T \circ S$ و $(T \circ S)(x)$ نمادهای ساده‌تر TS و TSx را به کار می‌بریم. به علاوه، قرارداد می‌کنیم که

$$T^0 = \text{id}_X, \quad T^1 = T \quad \text{و} \quad T^n = \underbrace{T \circ \dots \circ T}_n \quad n = 2, 3, \dots$$

۱.۰.۲ تعریف ([۳، تعریف ۱.۰.۰]). فرض کنید X مجموعه‌ای ناتهی و $T : X \rightarrow X$ نگاشتی دلخواه است. نقطه‌ی $x \in X$ یک نقطه‌ی ثابت T نامیده می‌شود هرگاه $Tx = x$. مجموعه‌ی همه‌ی نقاط ثابت T با $\text{Fix}(T)$ نشان داده می‌شود.

نمونه‌ای از یک جدول

جدول ۱.۲: تعداد حاضرین و غایبین در جلسه

روز	حاضرین	غایبین
شنبه	۱۵	۳
یکشنبه	۲۰	۷
دوشنبه	۱۲	۲

مراجع

- [1] S. M. A. Aleomraninejad, Sh. Rezapour and N. Shahzad, Convergence of an iterative scheme for multifunctions, *J. Fixed Point Theory Appl.* **12** (2012), no. 1-2, 239–246.
- [2] M. R. Alfuraidan and M. A. Khamsi, Caristi fixed point theorem in metric spaces with a graph, *Abstr. Appl. Anal.* **2014**, Art. ID 303484, 5 pages.
- [3] A. Granas and J. Dugundji, Fixed Point Theory, *Springer-Verlag, New York*, 2003.
- [4] W. A. Kirk, Fixed points of asymptotic contractions, *J. Math. Anal. Appl.* **277** (2003), no. 2, 645–650.
- [5] J. R. Munkres, Topology: A First Course, *Prentice-Hall, Inc., Englewood Cliffs, N.J.*, 1975.
- [6] W. Roelcke and S. Dierolf, Uniform Structures on Topological Groups and Their Quotients, *McGraw-Hill International Book Co., New York*, 1981.
- [۷] انجمن ریاضی ایران با همکاری گروه ریاضی و آمار مرکز نشر دانشگاهی، واژه‌نامه ریاضی و آمار (انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸.
- [۸] مجیدی، فریبرز، فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (تاریخی و جغرافیایی)، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.

فهرست نمادها

۸ درون A در یک فضای توپولوژیک	A°
۸ بستار A در یک فضای توپولوژیک	\bar{A}
۲ عدد اصلی X	$\text{card}(X)$
۳ قطر X در حاصل ضرب دکارتی $X \times X$	$\Delta(X)$
۸ متر گسسته	d_0
۹ مجموعه‌ی نقاط ثابت T	$\text{Fix}(T)$
۳ نمودار f	$\text{graph}(f)$
۲ نگاشت همانی X	id_X
۸ دستگاه همسایگی x در یک فضای توپولوژیک	\mathcal{N}_x
۸ همسایگی به مرکز x و شعاع r در یک فضای متریک	$N_r(x)$
۲ مجموعه‌ی توانی X	$\mathcal{P}(X)$
۷ مجموعه‌ی اعداد حقیقی نامنفی	\mathbb{R}^+
۸ شبه‌متر ثابت صفر	ρ_0
۹ ترکیب نگاشت T با خودش n بار (n -امین تکرار نگاشت T)	T^n
۳ وارون رابطه‌ی U	U^{-1}
۳ ترکیب رابطه‌ی U با رابطه‌ی V	$U \circ V$
۶ نگاره‌ی x تحت U ، یک همسایگی یکنواخت x	$U[x]$
۲ Y یک زیرمجموعه‌ی X است.	$Y \subseteq X$
۲ Y یک زیرمجموعه‌ی سره X است.	$Y \subset X$
۷ مجموعه‌ی اعداد صحیح نامنفی	\mathbb{Z}^+

واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی

T1

Banach contraction principle

U -close elements

contraction

linear —

nonlinear —

asymptotic –

ordered —

E -distance

اصل انقباض باناخ

اعضای U -نزدیک

انقباض

— خطی

— غیر خطی

— مجانبی

— مرتب

E -فاصله

١٠٠٠

sequence

Picard iteration —

equivalent –s

Cauchy —

uniformly —

دنباله

—ی تکرار پیکارد

—های هم ارز

— کوشی

— یکنواخت

یہ وزن مگر کاف و غرظ صیغہ

واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی

A

absorbing set

مجموعه‌ی جاذب

B

Banach contraction principle

اصل انقباض باناخ

Banach G -contraction

G -انقباض باناخ

Banach G - p -contraction

p - G -انقباض باناخ

Banach G - ρ -contraction

ρ - G -انقباض باناخ

C

cone

مخروط

– metric

متر – ی

– metric space

فضای متریک – ی

– topology

توپولوژی – ی

– uniformity

یکنواختی – ی

D

E

F

G

H

I

J

K

L

M

N

O

P

Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

نمایه

آ
ا
ب
ب
ت

ترکیب رابطہ‌ها، ۳

ط ض ص ش س ز ر د ذ ح ج چ ن ر ش

ظ
ع
غ
ف
ق

قطر (مجموعه‌ی ناتهی)، ۲

من م لگی کی

نقطه

۹-ی ثابت،

و

وارون رابطہ، ۳

٥

۸. همسایگی،

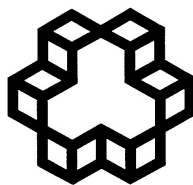
۵

Abstract

In this thesis,

Keywords: Keyword 1; keyword 2; keyword 3.

2010 Mathematics Subject Classification: Primary: 47H10; Secondary: 54H25, 54E15, 05C20.



K. N. Toosi University of Technology
Faculty of Mathematics

Master Thesis

Field

Title:
Title of Master Thesis

By:
Aris Aghanians

Supervisor:
Dr. ...

Advisor:
Dr. ...

September 2016